

مشارکت سیاسی و چالش‌های مطالبه‌گری

چرایی طرح مطالبات فردی و جمعی
در گفت‌وگو با علی محمد حاضری
جامعه‌شناس

یوسف ناصری

روزنامه نگار

امروزه توسعه، جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد و هیچ کشوری نمی‌تواند جامعه را با توسعه اقتصادی صرف اداره کند و در عین حال ادعا داشته باشد که دموکراتیک است و دموکراسی را مستقر کرده است. از سوی دیگر، توسعه سیاسی مؤلفه‌هایی همچون مشارکت سیاسی دارد و ساده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین روش مشارکت سیاسی در چارچوب قانون مستقر، همانا رأی دادن در انتخابات است. در گفت‌وگو «ایران» با دکتر علی محمد حاضری، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه، چرایی طرح مطالبات فردی و جمعی از نمایندگان مجلس به بحث گذاشته شده و اینکه مطالبه‌گری از طریق مجلس و پارلمان، به چه صورت امکانپذیر بوده و چه مطالباتی را می‌توان از این طریق پیگیری کرد. گفت‌وگو با دکتر علی محمد حاضری، مؤلف کتاب «بررسی تحلیلی مطالعات انقلاب اسلامی» در ادامه تقدیم خوانندگان محترم روزنامه می‌شود.

■ می‌دانیم که مطالبه فردی، درخواست یا خواسته شخصی بوده ولی نمایندگی مجلس، یک وظیفه ملی است. چه وضعیتی پیش آمده که افراد جامعه به صورت انفرادی، پیگیری مطالبات فردی خودشان را از نمایندگان مجلس طلب می‌کنند؟ این وضع به خاطر این است که ساز و کار فعالیت نهادی در کشور به درستی تعریف و نهادینه نشده است. مردم باید انتظارات، توقعات و مسائل آن را از طریق نهاد ها و دستگاه‌های ذیربط دنبال کنند و مجلس، نهادی در حد قانونگذاری کلان و همین‌طور، نظارت بر امور ملی است. این نگاه و این تعریف از مجلس، برای مردم مابه‌اندازه کافی جانیفته است.

از طرف دیگر، معمولاً به طور خاص در شهرهای کوچک، روابط شخصی و غیررسمی بین مردم و نماینده وجود دارد و مردم فکر می‌کنند نماینده، پارتی بزرگ است که می‌تواند برای پیشبرد امورشان در دستگاه‌های دولتی کمک کند.

■ نمایندگان مجلس هم در عمل به مطالبات فردی توجه می‌کنند و اگر یک فرد درخواست شغل در سازمان و شرکت خاصی داشته باشد نماینده برای او نامه لازم را نوشته و به آن شرکت یا سازمان توصیه می‌کند آن فرد مشغول به کار شود یا اگر یک فرد بخواهد وام بگیرد و وام گرفتن به تأخیر افتاده، آن نماینده در همین زمینه به مسئولان بانک نامه می‌نویسد و خواسته آن فرد هم تحقق پیدا می‌کند یعنی هم وام و هم شغل داده می‌شود.

در این وضعیت، نمایندگان مجلس هم تأثیر دارند و باعث می‌شوند مردم حوزه انتخابیه، کار خودشان را از طریق نماینده مجلس پیش ببرند.

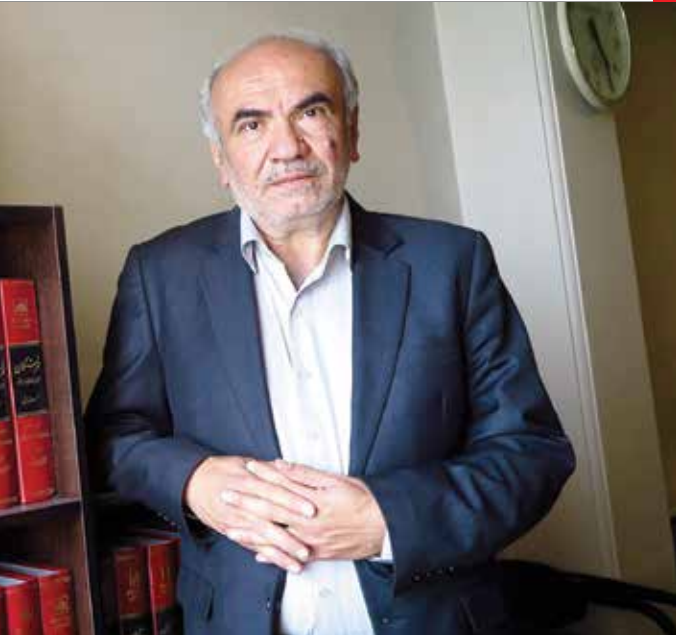
در این ماجرا، نمایندگان مجلس هم در مناسبات متقابلی قرار دارند و آنها هم رأی می‌خواهند. وقتی رأی گرفتن، موکول به این موارد می‌شود و ابزار جمع‌آوری رأی این‌طور است، در نتیجه نمایندگان مجلس نیز هر آنچه که در خدمت رأی‌شان انجام می‌دهند.

■ شوراهای شهر و روستا در اواسط دهه ۱۳۷۰ تشکیل شدند. اگر فرضاً این شوراها سال‌ها قبل‌تر تشکیل می‌شدند و فرضاً همزمان با مجلس تشکیل شده و ادامه فعالیت می‌دادند، آیا احتمالاً این وضعیت مطالبه کردن افراد از نمایندگان مجلس تعدیل می‌شد و کاهش پیدا می‌کرد؟

خیر. به نظر من فرقی نمی‌کرد. اصولاً حوزه کار شورا یا مجلس، یکسان نیست. همین‌الان مردم، کارهایی را که از طریق اعضای شورا می‌توانند در رابطه با شهرداری و مسائل شهری دنبال کنند، از آن مسیر می‌روند و کارهایی که خارج از آن حوزه است، از طریق نماینده مجلس پیگیری می‌کنند.

مردم به دنبال حل مشکلات و مسائل خودشان هستند و هر جایی و هر مرجعی که فکر کنند می‌توانند در این امر کمک کند، به آن مراجعه می‌کنند.

■ افرادی که مطالبه فردی دارند، چنین مطالبه‌ای، درخواست ملی نیست و



درخواست شخصی یا محلی و منطقه‌ای است. اگر به فرض مثال کشورهای دیگر که پارلمان‌های ایالتی دارند، ما هم با توجه به موقعیت خودمان چنین ساختارهایی در کشورمان داشته باشیم، آیا انتظارات مردم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی کاهش پیدا می‌کند؟

مهم این است که نهاد ها و دستگاه‌های ذیربط، کار کرد خودشان را انجام بدهند. اگر کار کرد نهاد ها و دستگاه‌ها، به درستی انجام نشود و بخواهد از طریق رابطه انجام شود، این واسطه و این رابطه، می‌تواند هر فردی باشد چه نماینده پارلمان محلی باشد، چه نماینده پارلمان ملی باشد و چه عضو شورای شهر باشد. در واقع، وقتی کارهایش نمی‌رود، مردم به نحوی به این نمایندگان مراجعه می‌کنند. از آن طرف، موضوع روابط رأی‌آوری نمایندگان مطرح است. وقتی رأی نماینده از طریق تشکیلات حزب تأمین نمی‌شود و جایگاه حزبی ندارد باید از طریق ارتباطات فردی و روبرویی فردی با افراد، رأی جمع کند، در واقع این نماینده به طور طبیعی در این مسیر می‌افتد.

اما اگر نظام حزبی قوی در کشور حاکم باشد و نمایندگان بیش‌تر پاسخگو حزب باشند، حزب هم از این نمایندگان حمایت می‌کند و آن شکل رابطه شخصی اتفاق نمی‌افتد. بنابراین، بخش مهمی از این مشکل، به خاطر فقدان نظام حزبی گسترده و قدرتمند است.

■ اگر شهرداری یا وزارتخانه‌ها و سازمان‌های بانک‌ها به نحو مطلوب عمل کنند، آیا واقعا دیگر مطالبه فردی از نمایندگان مجلس که باید در سطح ملی فعالیت کنند، وجود نخواهد داشت؟

تا وقتی که رأی نماینده مجلس، به طور مستقیم به تک‌تک آحاد رأی‌دهندگان مربوط است و پاسخگویی او هم در ارتباط با رضایت خاطر شخصی مردم است، اصل این موضوع همچنان باقی است.

مهم این است که نماینده مجلس باید با حزب پاسخگو باشد، از طریق حزب حمایت شود و رأی بیاورد. در این حالت رابطه مستقیم و شخصی او با رأی‌دهندگان کاسته می‌شود.

■ رابطه مداری و رابطه گرایی در کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه رواج دارد و با رابطه داشتن، می‌توان قانون را دور زد و در کشورهای توسعه یافته، ضابطه جای رابطه را گرفته است. آیا در کشورهایی که ضابطه‌مندی و قانون‌مداری، وجود